سیاست

پزشکیان: تا پای شهادت هر کاری برای بهبود معیشت مردم انجام می‌دهیم

رییس جمهوری با بیان اینکه ملت ما ایستاده‌اند و ما نیز قول می‌دهیم تا پای شهادت، هر کاری از دستمان برمی‌آید برای بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی انجام دهیم، تصریح کرد: اگر به مردم، صرف‌نظر از گرایش سیاسی، قومیت و جنسیت در حوزه‌های آموزش، درمان و معیشت خدمت‌رسانی کنیم، از ما رضایت خواهند داشت. مسعود پزشکیان روز ۲ آذر در مراسم رونمایی از «طرح مسجدمحوری و حکمرانی محلی» که در یکی از مساجد منطقه ۱۵ تهران برگزار شد، اظهار کرد: باید با تمام وجود برای توسعه و تقویت حکمرانی مسجد و محله‌محوری وقت بگذاریم. کیفیت گفتار و عمل ما باید مبتنی بر آموزه‌هایی باشد که در آیات قرآن و نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است. وی با اشاره به ضرورت توجه به مهربانی در ارایه خدمات و فعالیت‌های اجتماعی، یادآور شد: در مسیر خدمت و همیاری اجتماعی باید از تکبر و غرور دور باشیم و به همسایگان و نزدیکان احترام بگذاریم. نمی‌توان مسلمان بود و به امور مسلمانان رسیدگی نکرد. در حکومت اسلامی، مردم نباید با مشکل مواجه باشند. رسیدگی به مسائلی همچون بهداشت، درمان، سلامت، آموزش و معیشت از اولویت‌های اساسی اسلام است و نباید نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشیم. چنانچه به این اولویت‌ها توجه و آنها را به درستی اجرا می‌کردیم، اکنون در جامعه شاهد این میزان از کاستی‌ها و مشکلات فرهنگی نبودیم. امکان ندارد آنچه را خداوند دستورات و آداب اسلامی به آن امر فرموده‌اند اجرا کنیم و در عین حال با چالش‌های گوناگون مواجه باشیم. وی ارایه خدمات بی‌منت و همه‌جانبه به مردم را از ارکان اساسی جامعه اسلامی برشمرد و تصریح کرد: مسجد بهترین پایگاه برای ارایه خدمات اجتماعی و جلب مشارکت عمومی است. ارایه این خدمات به تنهایی از سوی دولت امکان‌پذیر نیست و همه جامعه باید با یکدیگر تعامل و همدلی داشته باشند و دست به دست یکدیگر بدهند.

■ مردم در دوران جنگ، کشور را اداره کردند

رییس جمهوری با اشاره به ظرفیت گسترده مساجد در کشور گفت: اکنون حدود ۸۰ هزار مسجد وجود دارد که هر یک می‌توانند نقش موثری در ارایه خدمات حمایتی، اجتماعی و عمومی به آحاد جامعه ایفا کنند. مردم بودند که در دوران‌های سخت، همچون دوران جنگ، کشور را اداره کردند و ما را به این جایگاه رساندند و دولت به تنهایی قادر به انجام این کار نبود. با عزم و اراده‌ای که ملت ایران دارند، می‌توانیم برای مشکلات راه‌حل پیدا کنیم. بنابراین، در جایگاه مسوولیت قرار گرفته‌ایم تا به مردم خدمت کنیم.

■ اگر صرف‌نظر از گرایش سیاسی، قومی، جنسیتی به مردم خدمت‌رسانی کنیم، از ما رضایت خواهند داشت

پزشکیان با تأکید بر اینکه نگاه مسوولان در ارایه خدمات و تعامل با عموم جامعه باید فراگیر و به دور از تبعیض باشد، گفت: چنانچه به مردم، صرف‌نظر از گرایش سیاسی، قومیت، جنسیت و سن، در حوزه‌هایی همچون آموزش، درمان و معیشت خدمت‌رسانی کنیم، از ما رضایت خواهند داشت. نباید افراد را حذف کرد و باید از تمام ظرفیت‌های مردمی موجود در راستای ارایه خدمات به سایر اقشار جامعه استفاده کنیم.

■ قرار نیست بر مردم آقایی کنیم

وی یادآور شد: همه مسوولان و حکمرانان در جامعه اسلامی و علوی وظیفه دارند عدالت را اجرا کنند. با توجه به ظرفیت موجود در مساجد و محلات، به ازای هر هزار و ۲۰۰ نفر یک مسجد فعالیت می‌کند و این ظرفیت می‌تواند خدمات فراوانی به جامعه ارایه دهد. همه مسوولان و مدیران، خادم مردم هستند و قرار نیست بر مردم آقایی کنیم.

■ برخی دانشمندان و سردارانی که ترور شدند حتی منزل شخصی هم نداشتند

رییس جمهوری با اشاره به ترور دانشمندان و افراد موثر کشور به دست دشمن، این اقدامات را جنایتی آشکار از سوی کشورهایی دانست که مدعی دموکراسی هستند و یادآور شد: تمام نخبگان و دانشمندانی که به شهادت رسیدند، خادم ملت ایران بودند. دشمنان با به شهادت رساندن این افراد آگاه و عالم می‌خواستند کشور را از وجود آنها بی‌بهره کنند. دانشمندان شهید و سرداران ما سالم و بی‌ادعا زندگی کردند؛ برخی از آنان حتی منزل مسکونی شخصی هم نداشتند.

■ دشمنان نمی‌توانند ما را ساقط کنند مگر آنکه با نادیده گرفتن مردم، زمینه تضعیف ایران را فراهم کنیم

پزشکیان با برشمردن برخی از ویژگی‌های حکومت اسلامی، عدالت، مهربانی، عطوفت و انصاف را از پایه‌های اساسی آن معرفی کرد و افزود: حرف درست را همه آحاد جامعه می‌توانند بیان کنند. ضرورت دارد با احترام با مردم سخن بگوییم و از ایجاد تقابل پرهیز کنیم. چنانچه دست به دست یکدیگر بدهیم، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت مردم وجود نخواهد داشت و هرگز امریکا و سایر دشمنان نمی‌توانند ما را ساقط کنند؛ مگر آنکه با نادیده گرفتن مردم، خودمان زمینه تضعیف کشور را فراهم کنیم. وی بر ضرورت هم‌افزایی و تعاملی همدلانه تأکید کرد و گفت: توصیه می‌کنم از لقب دادن به یکدیگر، مسخره کردن و تهمت زدن که براساس قرآن مصداق ظلم است، دوری کنیم. اگر دستورات قرآن را اجرا می‌کردیم، اکنون مملکت گلستان بود. باید به همه فرصت داد تا بهترین کار را در مسیر شکوفایی جامعه انجام دهند.

■ می‌توانیم با تعامل سازنده با کشورهای همسایه، مسیرهای زمینی را جایگزین سایر مسیرها کنیم

رییس جمهوری برقراری ارتباط و تعامل با کشورهای همسایه اسلامی را ضرورتی انکارناپذیر دانست و تصریح کرد: کشورهای اسلامی همسایه، برادران دینی ما هستند. امریکا و دشمنان با ایجاد محدودیت و تحریم، در پی به زانو درآوردن کشورمان هستند. می‌توانیم با برقراری تعامل سازنده و چندجانبه با کشورهای همسایه، مسیرهای زمینی را جایگزین سایر مسیرها کنیم و زمینه کاهش محدودیت‌ها و مشکلات را فراهم آوریم. همه باید کاری انجام دهیم تا کم‌وکاستی‌ها و مشکلات کاهش یابد. می‌توانیم با احیای مجدد کارکرد اصلی مسجد و مشارکت عمومی، بار دیگر به مردم خدمت کنیم.

■ هیچ‌گاه نباید خود را از مردم جدا کنیم

پزشکیان با تقدیر از اقدامات سازمان بسیج مستضعفین، قرارگاه مساجد و تمامی مدیران اجرایی که برای گسترش حکمرانی مسجد و محله‌محوری تلاش کرده‌اند، اظهار کرد: هیچ‌گاه نباید خود را از مردم جدا کنیم. بسیج، همان طور که مقام معظم رهبری شهید فرمودند، یعنی همه مردم. مردم از هر قشر و با هر عقیده‌ای در جنگ از میهن و تمامیت ارضی دفاع کردند. ضرورت دارد در میان مردم حضور یابیم و درون جامعه باشیم، زیرا امروز دنیا از ایستادگی مردم ایران حیرت‌زده و مبهوت شده است.

تهران از شکست اهداف امریکا می‌گوید و دیپلماسی را باز می‌گذارد

از میدان جنگ تا میز مذاکره

دو موضع‌گیری تازه عباس عراقچی و اسماعیل بقایی تصویری از نگاه رسمی ایران به مرحله جدید تقابل با امریکا ترسیم می‌کند؛ از تاکید بر ناکامی راهبرد فشار و جنگ تا اعلام آمادگی برای ادامه مسیر سیاسی، مشروط به حفظ منافع ملی و توقف درگیری‌ها در همه جبهه‌ها. تهران می‌گوید نه فشار نظامی و اقتصادی توانسته ایران را به تسلیم وادار کند و نه تجربه‌های پیشین اجازه می‌دهد با خوش‌بینی بی‌محابا به وعده‌های واشنگتن اعتماد کند.

تحولات رابطه ایران و امریکا در شرایطی وارد مرحله‌ای پیچیده و چندوجهی شده است که نشانه‌های روشنی از پایان اختلافات یا دستیابی به توافق نهایی دیده نمی‌شود، اما در مواضع رسمی تهران همچنان بر باز ماندن مسیر دیپلماسی تاکید می‌شود. دو سخنرانی و موضع‌گیری اخیر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و اسماعیل بقایی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی در کنار یکدیگر تصویری از رویکرد ایران به وضعیت کنونی ارایه می‌کنند: از نگاه تهران، امریکا در دستیابی به اهدافی که در آغاز جنگ برای خود تعریف کرده بود ناکام مانده، فشارهای نظامی و اقتصادی نتوانسته ایران را به پذیرش خواسته‌های واشنگتن وادار کند و اکنون هر مسیر سیاسی برای خروج از وضعیت موجود باید برمبنای واقعیت‌های میدان و مطالبات ایران شکل بگیرد.

این مواضع را می‌توان در سه سطح بررسی کرد. نخست، ارزیابی ایران از نتیجه تقابل نظامی و ناکامی اهداف اعلام‌شده امریکا؛ دوم، تاکید بر ادامه مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی و سوم، حفظ مسیر مذاکره و میانجیگری، در عین بدبینی به رفتار واشنگتن و تاکید بر ضرورت توقف جنگ در همه جبهه‌ها. مجموعه این مواضع نشان می‌دهد که تهران میان آمادگی برای دیپلماسی و آمادگی برای ادامه مقاومت، تناقضی قائل نیست و این دو را دو بخش مکمل از راهبرد خود در شرایط کنونی معرفی می‌کند.

◄ از «تسلیم بدون قید و شرط» تا مذاکره روایت تهران از تغییر هدف امریکا

مهم‌ترین بخش سخنان عراقچی در سمینار روسای نمایندگی‌های استانی وزارت امور خارجه، ارزیابی او از دو سال گذشته و به‌ویژه دو جنگ اخیر بود. وزیر امور خارجه با اشاره به فشارهای امریکا و رژیم صهیونیستی، جنگ‌ها، تحریم‌های اقتصادی، ترورها و آنچه تلاش برای ایجاد شورش و تسلیح گروه‌های ضدانقلاب خارجی خواند، گفت دشمن در این دوره هر آنچه در توان داشته به کار گرفته است. عراقچی در توضیح هدف اصلی این اقدامات، به عبارت «تسلیم بدون قید و شرط» اشاره کرد؛ عبارتی که به گفته او دونالد ترامپ در آغاز جنگ دوازده‌روزه و سپس در ابتدای جنگ چهل‌روزه تکرار کرده بود. از نگاه وزیر امور خارجه، هدف نهایی مجموعه فشارها تنها محدود کردن توان نظامی یا اقتصادی ایران نبود، بلکه تسلیم جمهوری اسلامی، تغییر رژیم و حتی تجزیه ایران را نیز در بر می‌گرفت.

نکته محوری در روایت عراقچی، مقایسه موضع اولیه امریکا با وضعیتی است که پس از آغاز درگیری‌ها شکل گرفت. او گفت در جنگ دوازده‌روزه، پس از دوازده روز از مطالبه «تسلیم بدون قید و شرط» به «آتش‌بس بدون قید و شرط» رسیدند و در جنگ چهل‌روزه نیز تقریبا پس از بیست روز، مطالبه از تسلیم به مذاکره و تلاش برای رسیدن به توافق و دیپلماسی تغییر کرد.

این روایت، مبنای اصلی ارزیابی تهران از نتیجه تقابل اخیر است. در این چارچوب، ایران مدعی است طرفی که در آغاز جنگ خواهان تسلیم کامل بوده، در ادامه ناچار شده از آتش‌بس و سپس مذاکره سخن بگوید. بنابراین، از نگاه مقام‌های ایرانی، تغییر ادبیات امریکا باید در ارتباط با نتیجه میدانی جنگ و ناتوانی از تحقق اهداف اولیه آن بررسی کرد. البته این ارزیابی، روایت رسمی ایران از تحولات است و به‌تنهایی به معنای پایان اختلافات یا پذیرش شکست از سوی واشنگتن نیست. با این حال، اهمیت آن در این است که تهران می‌خواهد هرگونه مذاکره احتمالی را در امتداد همین واقعیت تعریف کند: مذاکره قرار نیست ادامه همان سیاست فشار برای گرفتن امتیاز از ایران باشد، بلکه باید به معنای پذیرش این واقعیت باشد که راه‌حل نظامی نتوانسته اهداف مورد نظر امریکا را محقق کند.

در این نگاه، تغییر از مطالبه تسلیم به طرح مذاکره صرفا تغییر یک عبارت سیاسی نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر شرایطی است که دو طرف در آن با یکدیگر مواجه شده‌اند. ایران می‌خواهد این پیام را منتقل کند که جنگ نتوانسته اراده سیاسی کشور را درهم بشکند و از این پس نیز هر توافقی باید با در نظر گرفتن همین واقعیت شکل بگیرد.

◄ مقاومت؛ شرط تغییر محاسبات طرف مقابل

عراقچی در بخش دیگری از سخنان خود، مقاومت را رمز عبور ایران از فشارهای سال‌های گذشته و به‌خصوص دو سال اخیر دانست. او با اشاره به برتری نظامی امریکا از نظر تجهیزات، جنگنده‌ها، ناوها و ذخایر مهمات، گفت این کشور با همراهی اسراییل و حمایت سیاسی و نظامی برخی کشورهای اروپایی وارد تقابل با ایران شده، اما مجموعه این ظرفیت‌ها نتوانسته است به اهداف مورد نظر دست پیدا کند. وزیر امور خارجه تاکید کرد که پیروزی در مقاومت لزوما به معنای تصرف سرزمین یا تحمیل اراده بر طرف مقابل نیست، بلکه هنگامی که دشمن با هدف از بین بردن موجودیت یک کشور وارد جنگ می‌شود، جلوگیری از تحقق آن هدف نیز به معنای پیروزی در مقاومت است. او این برداشت را به عنوان یکی از مبانی ارزیابی ایران از جنگ اخیر مطرح کرد. این نگاه در سخنان بقایی نیز به شکلی دیگر تکرار می‌شود. سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به اظهارات وزیر خزانه‌داری امریکا درباره مردم ایران، زخم‌های ناشی از جنگ را نشانه مقاومت و ایستادگی ایرانیان توصیف کرد و گفت ایران در دفاع از خود ثابت‌قدم‌تر از گذشته خواهد ایستاد. در واقع، در ادبیات دیپلماتیک تهران، مقاومت صرفا به معنای ادامه تقابل نظامی نیست. عراقچی آن را به حوزه اقتصاد، تجارت، تامین نیازهای کشور و مقابله با تحریم‌ها نیز گسترش می‌دهد. از نظر او، اگر ایران بتواند فشارها را بی‌اثر کند و نشان دهد که تحریم و تهدید نظامی به تغییر رفتار سیاسی کشور منجر نمی‌شود، محاسبات طرف مقابل نیز تغییر خواهد کرد. عراقچی در همین زمینه گفت راه‌حل اصولی مقابله با تحریم‌ها این است که تحریم‌کنندگان و فشارآورندگان از تلاش خود ناامید شوند و به این نتیجه برسند که از مسیر فشار سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و روانی نمی‌توانند به نتایج دلخواه برسند. این بخش از مواضع وزیر امور خارجه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نشان می‌دهد تهران صرفا در انتظار گشایش سیاسی از مسیر مذاکره نیست و همزمان می‌خواهد ظرفیت‌های داخلی و اقتصادی خود را برای کاهش اثرگذاری فشار خارجی به کار بگیرد. به بیان دیگر، مذاکره در نگاه ایران یک گزینه برای حل اختلافات است، اما کارآمدی آن نباید به معنای وابستگی کشور به تصمیم واشنگتن برای رفع فشارها باشد.

◄ چرا تهران همزمان از مذاکره و بی‌اعتمادی سخن می‌گوید؟

یکی از نکات قابل توجه در سخنان عراقچی و بقایی، تاکید همزمان بر باز بودن مسیر مذاکره و تردید جدی نسبت به رفتار امریکاست. عراقچی تصریح می‌کند که مذاکره برای رفع تحریم‌ها از وظایف وزارت امور خارجه است، اما تصمیم درباره اینکه این مسیر در چه زمان و به چه شکل به کار گرفته شود، بر عهده مدیریت عالی کشور قرار دارد.

این تفکیک نشان می‌دهد وزارت امور خارجه خود را مسوول آماده نگه داشتن مسیر سیاسی می‌داند، اما آغاز یا پیشبرد مذاکرات را تصمیمی فراتر از اختیار مستقل این وزارتخانه معرفی می‌کند. به این ترتیب، تهران میان آمادگی فنی و دیپلماتیک برای مذاکره و تصمیم سیاسی برای ورود به آن تفاوت قائل است. عراقچی می‌گوید وظیفه دستگاه دیپلماسی این است که مسیر مذاکره و راه‌حل سیاسی را باز و هموار نگه دارد. در عین حال، وزارت امور خارجه باید به تاب‌آوری کشور کمک کند تا ایران بتواند فشارهای اقتصادی و سیاسی را پشت سر بگذارد. این دو ماموریت از نگاه او همزمان قابل پیگیری‌اند و هیچ کدام نباید به بهای کنار گذاشتن دیگری تمام شود.

بقایی نیز در توضیح رویکرد ایران نسبت به مذاکرات، بر تجربه‌های پیشین تاکید می‌کند. او می‌گوید امریکا در دو نوبت در جریان میانجیگری عمان و سپس در ارتباط با تفاهم اسلام‌آباد اقداماتی انجام داده که به باور تهران، نهاد میانجیگری را تضعیف کرده است. از نگاه سخنگوی وزارت امور خارجه، مشکل اصلی این است که واشنگتن دیپلماسی را به معنای داد و ستد معقول و منصفانه نمی‌فهمد و در عمل آن را به دیکته کردن خواسته‌های خود تقلیل می‌دهد.

این موضع‌گیری در واقع توضیح می‌دهد که چرا تهران، با وجود اعلام آمادگی برای ادامه مسیر دیپلماتیک، از اعتماد بی‌قید و شرط به امریکا خودداری می‌کند. ایران می‌گوید تجربه مذاکرات قبلی و آنچه نقض تعهدات و اقدامات نظامی در خلال روندهای دیپلماتیک می‌داند، باید در هر تصمیم تازه‌ای لحاظ شود. بقایی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال موفقیت مذاکرات، با لحنی کنایه‌آمیز گفت: «چشم که آب نمی‌خورد، آدمیزاد آب می‌خورد.» این جمله، در کنار تاکید او بر ادامه تلاش میانجی‌ها، نشان می‌دهد تهران میان احترام به تلاش‌های دیپلماتیک و خوش‌بینی به نتیجه آنها تفاوت قائل است. ایران نمی‌خواهد تلاش میانجی‌ها متوقف شود، اما در عین حال قصد ندارد همه محاسبات خود را بر مبنای احتمال توافق با امریکا تنظیم کند.

◄ میانجی‌ها همچنان فعال‌اند اما اعتماد به واشنگتن محدود است

در بخش مربوط به میانجیگری، بقایی از ادامه تلاش‌های پاکستان و قطر خبر داد و تاکید کرد ایران نمی‌تواند از کشورهایی که دغدغه امنیت و ثبات منطقه را دارند بخواهد از تلاش‌های خود دست بکشند. او همچنین از عمان به عنوان میانجی دوره‌های قبلی و از پاکستان و قطر در روند اخیر نام برد و گفت تهران برای نقش این کشورها احترام قائل است. با این حال، سخنگوی وزارت امور خارجه معتقد است اقدامات امریکا در جریان میانجیگری‌های قبلی، به اعتبار این سازوکارها آسیب زده است. او مشخصا به دو دوره میانجیگری عمان و تفاهم اسلام‌آباد اشاره کرد و رفتار امریکا را عاملی برای تضعیف نهاد میانجیگری دانست.

این موضوع از دو جهت اهمیت دارد. نخست آنکه ایران همچنان نقش میانجی‌ها را در کاهش تنش و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها موثر می‌داند. دوم آنکه تهران تلاش می‌کند مسوولیت اختلال در روندهای دیپلماتیک را متوجه رفتار واشنگتن کند و از این طریق، میان موضع خود در قبال اصل مذاکره و ارزیابی‌اش از طرف امریکایی تمایز بگذارد.

در چنین شرایطی، میانجی‌ها می‌توانند کانالی برای انتقال پیام‌ها، بررسی امکان توافق و جلوگیری از تشدید بحران باشند؛ حتی اگر هنوز نشانه‌ای از شکل‌گیری مذاکرات مستقیم و رسمی یا توافق قطعی وجود نداشته باشد. آنچه از سخنان بقایی برمی‌آید این است که تهران خواهان توقف تلاش‌های میانجی‌گرانه نیست، اما این تلاش‌ها را به‌تنهایی تضمینی برای رسیدن به توافق نمی‌داند. از سوی دیگر، سخنگوی وزارت امور خارجه تاکید می‌کند که ایران همه گزینه‌ها و احتمالات را در نظر گرفته و برای دفاع از منافع ملی خود به ظرفیت‌های داخلی و ابزارهای مختلف اتکا خواهد کرد. بنابراین، دیپلماسی در نگاه تهران باید در کنار آمادگی برای مواجهه با سناریوهای دیگر دنبال شود.

◄ توقف جنگ در همه جبهه‌ها مطالبه‌ای فراتر از توافق دوجانبه

یکی از صریح‌ترین مواضع بقایی درباره چارچوب هر گونه توافق احتمالی، ضرورت توقف جنگ در همه جبهه‌هاست. او در پاسخ به پرسشی درباره مطالبات ایران تاکید کرد که توقف جنگ در همه جبهه‌ها باید بخش جدایی‌ناپذیر هر توافقی باشد و نمی‌توان از توافق سخن گفت، در حالی که جنگ در بخش‌های دیگر ادامه دارد. این موضع نشان می‌دهد تهران مساله امنیت را محدود به رابطه دوجانبه با امریکا نمی‌بیند. از نگاه سخنگوی وزارت امور خارجه، تحولات جبهه‌های مختلف منطقه‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند و نمی‌توان امنیت یک بخش را از وضعیت سایر بخش‌ها جدا کرد. بقایی تاکید کرد که مطالبه توقف درگیری‌ها صرفا در راستای منافع ایران نیست، بلکه نشان‌دهنده نگاه تهران به امنیت و ثبات منطقه به عنوان یک مجموعه به‌هم‌پیوسته است. بر همین اساس، ایران نمی‌خواهد توافق احتمالی تنها به توقف یک بخش از درگیری‌ها محدود شود و سایر جبهه‌ها همچنان در وضعیت جنگی باقی بمانند. این مطالبه در عمل می‌تواند یکی از موضوعات اصلی و دشوار هر روند سیاسی باشد؛ زیرا توافق درباره توقف جنگ در همه جبهه‌ها مستلزم روشن شدن دامنه تعهدات طرف‌ها، سازوکار نظارت و نحوه اجرای آن است. با این حال، طرح صریح این شرط از سوی بقایی نشان می‌دهد که تهران در حال تعریف چارچوبی گسترده‌تر از یک توافق محدود دوجانبه با واشنگتن است. در همین چارچوب، بقایی درباره خواسته‌های ایران گفت شکل و عنوان مطالبات تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کند و وزارت امور خارجه آنها را با جدیت و قاطعیت پیگیری خواهد کرد. او جزییات یک فهرست رسمی و کامل از مطالبات را در این موضع‌گیری ارایه نکرد، اما تاکیدش بر توقف جنگ در همه جبهه‌ها، حفظ منافع ملی و دفاع از امنیت ایران، بخش‌هایی از چارچوب مورد نظر تهران را روشن می‌کند.

◄ واشنگتن با یک انتخاب دشوار روبه‌رو است؛ ادامه فشار یا پذیرش مسیر سیاسی

از مجموع مواضع عراقچی و بقایی می‌توان دریافت که تهران در حال ارسال دو پیام همزمان به واشنگتن و بازیگران منطقه‌ای است. پیام نخست این است که سیاست فشار و جنگ نتوانسته اهدافی را که امریکا در آغاز درگیری‌ها مطرح کرده بود محقق کند و ایران قصد ندارد در نتیجه فشار نظامی یا اقتصادی از مواضع خود عقب‌نشینی کند. پیام دوم این است که ایران همچنان مسیر دیپلماسی را مسدود نکرده و برای بررسی راه‌حل سیاسی، با رعایت منافع و مطالبات خود، آمادگی دارد. در این چارچوب، ادامه جنگ برای هیچ روند سیاسی پایداری جایگزین مناسبی نخواهد بود. اگر هدف امریکا از فشار نظامی، تحمیل خواسته‌های سیاسی به ایران بوده باشد، تهران می‌گوید این هدف محقق نشده و ادامه همان سیاست نیز تضمینی برای دستیابی به نتیجه متفاوت ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر، اگر قرار است از طریق مذاکره راهی برای کاهش تنش و توقف درگیری‌ها پیدا شود، این مسیر باید بر مبنای پذیرش واقعیت‌های جدید و رعایت مطالبات طرف ایرانی پیش برود. با این حال، نباید از مواضع اخیر مقام‌های ایرانی نتیجه گرفت که توافق نزدیک یا مذاکرات رسمی و مستقیم آغاز شده است. بقایی از ادامه تلاش‌های پاکستان و قطر خبر داده، اما همزمان درباره رفتار امریکا هشدار داده و بر ضرورت مراقبت از منافع ایران تاکید کرده است. عراقچی نیز از وظیفه وزارت امور خارجه برای باز نگه داشتن مسیر مذاکره سخن گفته، اما تصمیم درباره زمان و چگونگی استفاده از آن را در سطح مدیریت عالی کشور دانسته است. بنابراین، وضعیت فعلی را باید مرحله‌ای از تقابل همراه با حفظ کانال‌های دیپلماتیک توصیف کرد؛ مرحله‌ای که در آن، طرف ایرانی از یک سو بر ناکامی اهداف نظامی و فشارهای امریکا تاکید دارد و از سوی دیگر، امکان حل‌وفصل سیاسی اختلافات را منتفی نمی‌داند. در چنین وضعیتی، میانجیگری می‌تواند برای جلوگیری از تشدید بحران و انتقال پیام‌ها اهمیت داشته باشد، اما موفقیت آن به میزان آمادگی طرف‌ها برای پذیرش یک راه‌حل متقابل وابسته است. در نهایت، پیام اصلی سخنان وزیر امور خارجه و سخنگوی دستگاه دیپلماسی را می‌توان در یک گزاره خلاصه کرد: ایران مذاکره را رد نمی‌کند، اما مذاکره را ادامه سیاست تسلیم نمی‌داند. تهران معتقد است جنگ نتوانسته اراده سیاسی کشور را تغییر دهد و اکنون اگر قرار است راهی برای خروج از بحران گشوده شود، باید از مسیر دیپلماسی و با در نظر گرفتن توقف جنگ در همه جبهه‌ها، امنیت منطقه و مطالبات ایران عبور کند. از نگاه مقام‌های ایرانی، واشنگتن برای رسیدن به یک راه‌حل پایدار ناگزیر است میان ادامه راهبرد فشار و ورود به یک روند سیاسی معنادار انتخاب کند؛ روندی که در آن، مذاکره نه ابزار تحمیل خواسته‌ها، بلکه سازوکاری برای رسیدن به توافقی قابل قبول برای طرفین باشد.

جنگ علیه ایران پاشنه آشیل امریکا را برملا کرد

زلزله در امپراتوری نیم‌قرنی دلار

یک نشریه امریکایی با اشاره به اینکه جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، در حال برملا کردن پاشنه آشیل واشنگتن است، نوشت: عربستان سعودی ۲ سال پیش، بی‌سروصدا به نظام موسوم به «پترودلار» پایان داد و چین در تلاش است تا جایگزینی قابل اتکا برای آن معرفی کند. نشریه «فورچون/fortune» در این گزارش می‌نویسد: شاید نظام پولی مبتنی بر طلا یا همان «استاندارد طلا» در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به پایان رسیده باشد، اما در طول ۵۰ سال بعد، نظام دیگری به‌تدریج و در سکوت جای آن را گرفت: نفت. نظامی که به «پترودلار/Petrodollar» معروف شد، در عمده این سال‌ها چندان شناخته‌شده نبود؛ اما توافقی محرمانه میان هنری کیسینجر (وزیر خارجه اسبق امریکا) و عربستان سعودی تضمین کرد که دلار همچنان ارز ذخیره غالب در جهان باقی بماند. با این حال، جنگ جاری امریکا و (رژیم) اسراییل علیه ایران در حال برملا کردن پاشنه آشیل واشنگتن است؛ زیرا چین در تلاش است تا «پترویوان/Petroyuan» را به عنوان جایگزین آشکار پترودلار مطرح کند. نکته قابل توجه‌تر اینکه عربستان سعودی نیز ۲ سال پیش، بی‌سروصدا به پترودلار پایان داد. جنگ امریکا و (رژیم) اسراییل علیه ایران، بار دیگر قدرت پترودلار را در کانون توجهات قرار داده است؛ نظامی که یکی از پایه‌های اصلی سلطه امریکا بر تجارت جهانی به شمار می‌رود. با این حال، اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ساختار پولی مبتنی بر دلار، سال‌هاست به‌تدریج از درون دچار فرسایش شده است. تحلیلگران، دهه ۲۰۲۰ را آغازگر بزرگ‌ترین تحول در رابطه میان جهان و دلار از سال ۱۹۷۴ تاکنون می‌دانند. با ادامه یافتن جنگ ایران، شکاف‌های نظام پولی قدیمی نیز هر روز عمیق‌تر می‌شوند. البته دلار همچنان ارز غالب جهان است، اما دیگر تنها گزینه موجود نیست. برای درک شرایط کنونی، باید کمی به عقب بازگردیم و ببینیم این نظام چگونه شکل گرفت. امریکا در سال ۱۹۷۴ با عربستان سعودی به توافقی دست یافت که براساس آن، این کشور حوزه خلیج‌فارس پذیرفت که نفت خود را صرفا با دلار امریکا به فروش برساند. در مقابل، امریکا متعهد شد کمک‌های نظامی و حمایت‌های امنیتی در اختیار عربستان قرار دهد. امریکا که در آن مقطع ریچارد نیکسون ریاست جمهوری آن را بر عهده داشت، پس از پایان نظام «استاندارد طلا» در سال ۱۹۷۱، به دنبال تضمین تقاضای جهانی برای دلار بود. همچنین در پی بحران نفتی سال ۱۹۷۳، واشنگتن انگیزه بیشتری پیدا کرده بود تا زنجیره تامین نفت خود را تثبیت کند. از آنجا که نفت نقشی اساسی در تقریبا تمام صنایع ایفا می‌کرد و همچنان این نقش را دارد، نظام پترودلار به سرعت فراگیر و دلار به یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شد. کشورهای نفت‌خیز برای نگهداری ذخایر دلاری رو به رشد خود به محلی امن نیاز داشتند و به همین دلیل به خرید اوراق قرضه خزانه‌داری امریکا روی آوردند. از سوی دیگر، کشورهای خریدار نفت نیز معاملات خود را با اسکناس سبز انجام می‌دادند. این چرخه، به ایجاد یک معماری پولی منجر شد که به‌شدت به نفع دلار امریکا بود و بیش از ۵۰ سال دوام آورد. عربستان سعودی و همچنین کشورهای قطر، عمان، بحرین و امارات متحده عربی، به دلیل پیوند نرخ ارز داخلی خود با دلار امریکا، به ذخایر پشتیبان در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار نیاز دارند. افزون بر این، صندوق‌های ثروت ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس بیش از ۲ تریلیون دلار در دارایی‌های امریکایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. با این حال، درگیری‌های جاری در منطقه خلیج‌فارس ضعف‌های نظام پترودلار را آشکار کرده است. پس از نخستین حمله امریکا و (رژیم) اسراییل علیه ایران، تهران عملا تنگه هرمز را بست؛ آبراهی که حدود ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت از طریق آن مبادله می‌شود. کارشناسان صنعت نفت گفته‌اند برخی کشتی‌ها توانسته‌اند با پرداخت بهای عبور به یوآن چین از این گلوگاه راهبردی عبور کنند؛ هر چند امریکا اکنون (مدعی شده) که در حال تسهیل عبور کشتی‌های بیشتری از این مسیر تجاری است. به گفته اقتصاددانان، کشورهای حوزه خلیج‌فارس سال‌ها پیش از درگیری کنونی، بی‌سروصدا در حال تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود بوده‌اند. این کشورها بخشی از معاملات نفتی خود را خارج از چارچوب دلار انجام داده‌اند و بدین ترتیب، عملا اصل انحصاری بودن دلار در تجارت نفت را از بین برده‌اند. مایکل هریس، تحلیلگر گروه مالی EBC، در یادداشتی نوشته که سهم دلار از ذخایر ارزی جهان به پایین‌ترین سطح خود در ۲۵ سال گذشته رسیده و از ۷۱ درصد در سال ۱۹۹۹ به حدود ۵۷ درصد در حال حاضر کاهش یافته است. نشانه‌ها حاکی از آن است که چین می‌تواند بزرگ‌ترین برنده روند دلارزدایی باشد. در سال ۲۰۲۴، عربستان سعودی تعهد خود برای قیمت‌گذاری انحصاری نفت با دلار را به‌طور رسمی تمدید نکرد. البته توافق سال ۱۹۷۴ هرگز یک تعهد رسمی و الزام‌آور نبود و ماهیت محرمانه آن نیز این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا اساسا به تغییر سیاست رسمی منجر شده بود یا خیر. با این حال، ریاض اقداماتی برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود انجام داده است. عربستان سعودی و چین در سال ۲۰۲۳ توافق‌نامه سوآپ ارزی به ارزش هفت میلیارد دلار امضا کردند. بانک مرکزی عربستان نیز یکی از مشارکت‌کنندگان کلیدی در سکوی پرداخت دیجیتال «ام‌بریج/mBridge» است؛ بستری که امکان مبادله مستقیم ارزها از طریق فناوری بلاک‌چین را فراهم می‌کند. هریس در این باره می‌نویسد: این تغییر بازتاب یک واقعیت اقتصادی بنیادین است. چین جای امریکا را به عنوان بزرگ‌ترین مشتری نفت عربستان گرفته است. در حالی که واقعیت‌های اقتصادی عربستان را به سمت یوآن سوق می‌داد، ساختار پولی این کشور همچنان بر دلار استوار بود. عربستان سعودی حتی در معاملات خود با چین نیز همچنان عمدتا از دلار استفاده می‌کند، اما اکنون مسیر برای استفاده از ارزهای دیگر نیز باز شده است. نشانه‌های ضعف پترودلار حتی پیش از توافق سوآپ ارزی عربستان و چین نیز به‌تدریج آشکار شده بود.

در اوایل دهه ۲۰۱۰، امریکا در پی الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه، به همراه شماری از کشورهای دیگر تحریم‌هایی علیه مسکو اعمال کرد. مسکو در واکنش به این تحریم‌ها، روند دلارزدایی از اقتصاد خود را آغاز کرد و با چین به توافق سوآپ ارزی به ارزش ۱۵۰ میلیارد یوآن، معادل حدود ۲۵ میلیارد دلار، دست یافت. به نوشته این رسانه، گرچه ایران چندین دهه است که نفت خود را به چین می‌فروشد، اما روابط دو کشور پس از بازگشت تحریم‌های امریکا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تقویت شد. اکنون خرید نفت چین حدود ۹۰ درصد از کل صادرات نفت ایران را تشکیل می‌دهد. دیوید وایت، تاریخ‌نگار دانشگاه کارولینای شمالی، در گفت‌وگو با نشریه فورچون می‌گوید: با آغاز جنگ کنونی، توجه‌ها بار دیگر به این واقعیت جلب شده که ایران سال‌هاست بخش قابل توجهی از نفت خود را با یوآن می‌فروشد؛ زیرا نمی‌خواهد به امریکا وابسته باشد یا به این کشور کمک کند و در تلاش است تا از تحریم‌های امریکا دور بماند. ایران به دنبال یافتن خریدار برای نفت خود است و این خریدار عمدتا چین است.

اقتصاد کلان

زنگ خطر بدهی در کشورهای حاشیه خلیج فارس در پی جنگ

براساس گزارش‌ها، کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس با کسری بودجه، افزایش بدهی و افت درآمدهای نفتی مواجهند؛ بحرین در میان آنها آسیب‌پذیرترین اقتصاد را دارد و به حمایت مالی همسایگانش وابسته است. این واقعیت که کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس کسری مالی انباشته شده‌ای در حدود ۴۷۵ میلیارد دلار را ثبت کرده‌اند و تا سال ۲۰۳۰ بدهی دولتی به حدود ۵۳۴ میلیارد دلار می‌رسد، نشان‌دهنده یک مرحله بحرانی برای امور مالی عمومی در منطقه است. ارقام پژوهشی که توسط شرکت Allianz Trade انجام شده است، با انتظارات ضرر ۷۹۰ میلیارد دلاری تولید در کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و خسارات مادی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار و رسیدن قیمت سر به سر نفت بحرین به ۱۶۱ دلار در هر بشکه همزمان است. طبق گزارش العربی الجدید، در کنار این فشارها، بازار بدهی معوق کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس تا پایان سه ماهه سوم امسال از ۱.۲ تریلیون دلار فراتر رفت. براساس گزارشی که توسط موسسه رتبه‌بندی فیچ در ۱۶ نوامبر منتشر شد، دارایی‌های بانک‌های خارجی از اوراق قرضه و صکوک این کشورها نسبت به سال گذشته ۴۱ درصد افزایش یافته و از ۱۱۰ میلیارد دلار فراتر رفته است، در حالی که دارایی‌های آنها از بدهی بحرین بیش از دو برابر شده و با ۱۰۱.۴ درصد افزایش به ۴.۷ میلیارد دلار رسیده است. با این حال، گسترش بازارهای بدهی به دلیل انقباض اقتصادی پیش‌بینی شده توسط صندوق بین‌المللی پول برای اقتصادهای این کشورها در سال ۲۰۲۶، پس از رشد ۳.۳ درصدی در سال گذشته با مشکل مواجه شده است. فشارهای درآمدی تشدید شده است زیرا انتظار می‌رود صادرات نفت خام از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس در ۱۰ ماهه اول سال ۲۰۲۶ در مقایسه با سال قبل ۲۷.۶ درصد کاهش یابد. تحلیل‌های مالی نشان می‌دهد که بازارهای کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس ظرفیت انتشار اوراق قرضه دولتی برای جبران کسری بزرگ را دارند اما این ظرفیت به وضوح بین کشورها متفاوت است، به‌طوری که به گفته علی احمد درویش، اقتصاددان و مشاور مالی، کسری مزمن بحرین به ویژه قابل توجه است. وی خاطرنشان کرد که انتشار اوراق قرضه بلندمدت و جذب آنها از طریق پذیره‌نویسی و پرتفوی بانکی، علاوه بر بار بدهی که بر منابع مالی فشار می‌آورد و نقدینگی را در آینده محدود می‌کند، بر تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر منفی خواهد گذاشت و هزینه وام‌گیری و قرض گرفتن را افزایش می‌دهد. این فشارهای مالی با تشدید تنگناهای کشتیرانی که هزینه‌های تجارت و بیمه را افزایش می‌دهند، افزایش می‌یابند. ظرفیت نفتکش‌های خالی که به سمت خلیج عمان می‌روند از اواخر ماه آگوست حدود ۴۰ درصد کاهش یافته و در ۱۶ نوامبر به ۷۱ میلیون بشکه رسیده است، در حالی که پیش از آن ۱۳۰ میلیون بشکه بود. این امر در بحبوحه افزایش حق بیمه ریسک جنگ و حمله به پنج نفتکش در نزدیکی تنگه هرمز رخ می‌دهد. منامه به عنوان آسیب‌پذیرترین کشور در برابر این معادله شناخته می‌شود، چراکه اقتصاد آن در سال ۲۰۲۶، ۹ درصد کوچک شده و بدهی خالص دولت آن از ۱۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۵ به ۱۵۵ درصد تا سال ۲۰۲۹ افزایش یافته است. با وجود اینکه رتبه اعتباری آن در B/B با چشم‌انداز پایدار تأیید شده است، ذخایر خارجی آن پایه پولی آن را پوشش نمی‌دهد. درویش تأکید کرد بدهی عمومی بحرین که تقریبا به ۱۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی رسیده است و اتکای نیمی از درآمدهای آن به نفت و گاز، حمایت خارجی را برای پر کردن شکاف‌های مالی کسری انباشته ضروری می‌کند. وی معتقد است که کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، با روحیه همبستگی و ثبات همسایگی، بسته‌های مالی را به منامه ارایه خواهند داد. با این حال، بهبود بلندمدت همچنان منوط به بهبود قیمت نفت و کاهش هزینه‌های تولید و حمل و نقل پس از کاهش اخیر سود نفت است.

بازگشت طلای جهانی به مسیر افزایش قیمت

قیمت طلا پس از ثبت شدیدترین افت هفتگی خود در ۱۴ ماه گذشته، با تعدیل انتظارات معامله‌گران درباره افزایش نرخ بهره فدرال رزرو در کوتاه‌مدت، در معاملات روز دوشنبه بازار جهانی بار دیگر افزایش یافت و بخشی از افت اخیرش را جبران کرد. قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری، با ۲.۴ درصد افزایش، به ۳۶۱۶ دلار ۵۱ سنت رسید. قیمت هر اونس طلا در بازار معاملات آتی امریکا نیز با ۲.۹ درصد افزایش، ۳۶۱۶ دلار و ۶۰ سنت معامله شد. کایل رودا، تحلیلگر ارشد بازارهای مالی در شرکت کپیتال دات کام، گفت: «فروش گسترده سهام شرکت‌های فناوری و بالا رفتن انتظارات درباره تضعیف فعالیت‌های اقتصادی در پی کاهش رونق هوش مصنوعی، باعث شده بازارها پیش‌بینی‌های خود از مسیر آینده نرخ بهره امریکا را بازبینی کنند که از نظر بنیادی تا حدی از قیمت طلا حمایت کرده است.» طبق ابزار دیده‌بان فدرال شرکت CME، معامله‌گران اکنون احتمال افزایش نرخ بهره در نشست سیاست‌گذاری فدرال رزرو در دسامبر را ۹۳.۵ درصد برآورد می‌کنند که نسبت به احتمال تقریبا صد در صدی هفته گذشته، کاهش یافته است. نرخ‌های بهره بالاتر معمولا بر قیمت طلا فشار نزولی می‌آورند، زیرا هزینه فرصت نگهداری طلای بدون بازده را افزایش می‌دهند. دیلین وو، استراتژیست در شرکت کارگزاری «پپرستون گروپ» گفت: «با وجود بهبود محدود قیمت‌ها در معاملات اولیه امروز، هنوز برای اعلام پایان روند نزولی طلا زود است. همچنین اگر نوسانات بازار سهام ادامه پیدا کند، نمی‌توان احتمال فروش اجباری بیشتر دارایی‌ها را نادیده گرفت.» در همین حال، معاملات آتی سهام امریکا افزایش یافت و مقام‌های اقتصادی تلاش کردند بازارهای سهام آسیا را که با افت شدیدی روبه‌رو شده‌اند، تقویت کنند. این تحولات پس از ریزش گسترده سهام شرکت‌های فناوری و تولیدکنندگان تراشه در هفته گذشته رخ داد. لیزا کوک، عضو هیات مدیره فدرال رزرو، جمعه گذشته از ضرورت افزایش بیشتر نرخ بهره دفاع کرد و گفت: نرخ بهره فعلی این نهاد برای مقابله با سطح تورم کافی نیست تا با سطوح تورمی که او با نگرانی شدید می‌بیند، مقابله کند. براساس گزارش رویترز، فعالان بازار اکنون در انتظار انتشار داده‌های شاخص مخارج مصرف شخصی امریکا (PCE) در روز چهارشنبه هستند. این شاخص یکی از معیارهای مهم تورمی است که فدرال رزرو به دقت آن را دنبال می‌کند. قیمت طلا از زمان تجاوز نظامی امریکا به ایران در اواخر فوریه، حدود یک سوم کاهش یافته است. افزایش هزینه‌های انرژی در این مدت به تشدید تورم و در نتیجه افزایش نرخ بهره از سوی بانک‌های مرکزی منجر شده است.